

Evaluation of the Research Program Intervention Mechanism of Tehran University Faculty Members

Reza Abiri¹ , Mojtaba Emami²

1- Imam Sadiq University (AS) Growth Center, Tehran, Iran.

(Corresponding Author: abiri@isu.ac.ir)

2- Associate Professor, Department of Public Policy, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Abstract

In a situation where the research credits of the universities do not provide enough for the various faculty research activities and the lack of resources is a constant limitation, the optimal and targeted allocation of the available credits has become doubly important. In addition to these credit allocation mechanisms, it plays a unique role in transferring external expectations and demands from the institution of science and is one of the most effective tools for objectifying strategic plans and policies. This research has been carried out with the aim of evaluating the intervention mechanism of the Faculty Grant Program of Tehran University. The required data were collected using face-to-face interviews with program designers and their archival interviews, oral memories and documents related to the program. In the next step, using causal coding process, the content obtained from the previous step was coded. As a result, several causal chains were obtained, which were classified and merged based on their similarity, and the narrative of the program theory change was shaped. The findings of the research indicate that although this program was a step forward and promoted a kind of rationality in the research credit allocation system at the time of its formulation, but now it can be criticized from the point of view that adopting an impartial approach towards the fields and respecting values such as scientific cooperation. In addition, there are many doubts about the effectiveness and efficiency of performance-based allocation systems. Another criticism of the program is the lack of leverage metaphor toward the university's internal resources.

Keywords: Evaluation, Intervention Mechanism, Grant, Faculty Members.

How to Cite this Paper:

Abiri, R. & Emami, S.M. (2024). **Evaluation of the Research Program Intervention Mechanism of Tehran University Faculty Members.** *Journal of Science & Technology Policy*, 17(2), 51-68. {In Persian}.

DOI: 10.22034/jstp.2024.11665.1787



ارزشیابی سازوکار مداخله برنامه پژوهانه اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران

رضا عبیری^۱ , سیدمجتبی امامی^۲

۱- پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. (نویسنده عهده‌دار مکاتبات: abiri@isu.ac.ir)

۲- دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دولتی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

چکیده

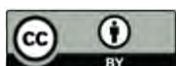
در شرایطی که اعتبارات پژوهشی دانشگاه‌ها کفاف هزینه فعالیت‌های متنوع تحقیقاتی اعضای هیئت‌علمی را نمی‌دهد و کمبود منابع یک محدودیت همیشگی است تخصیص بهینه و هدفمند اعتبارات موجود اهمیت دوچندانی یافته است. افزون بر این سازوکارهای تخصیص اعتبارات نقش بی‌بدیلی در انتقال انتظارات و خواست‌های بیرونی از نهاد علم دارد و یکی از اثربخش‌ترین ابزارهای عینیت‌بخشی به برنامه‌های راهبردی و سیاست‌ها است. این پژوهش با هدف ارزشیابی سازوکار مداخله برنامه پژوهانه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه تهران به انجام رسیده است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه‌های حضوری با طراحان برنامه و مصاحبه‌های آرشویی آنان، خاطرات شفاهی و اسناد و مدارک مرتبط با برنامه گردآوری شد. در گام بعدی با استفاده از فرآیند کدگذاری علی، محتوای حاصل از مرحله قبل کدگذاری شد. در نتیجه زنجیره‌های علی متعددی به دست آمد که بر اساس شباهت دسته‌بندی و ادغام آن‌ها انجام گرفت و روایت نظریه تغییر برنامه نگاشته شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اگرچه این برنامه در زمان تدوین گامی روبه‌جلو و مروج نوعی از عقلانیت در نظام تخصیص اعتبارات پژوهشی بود اما اکنون از منظر اتخاذ رویکردی بی‌طرفانه نسبت به حوزه‌-رشته‌ها و ارج نهادن ارزش‌هایی چون همکاری علمی قابل نقد است. به علاوه تردیدهای بسیاری در مورد اثربخشی و کارایی نظام‌های تخصیص مبتنی بر عملکرد وجود دارد. عدم نگاه اهرمی به منابع داخلی دانشگاه از دیگر انتقادات وارد به برنامه است.

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی، اعضا هیات علمی، برنامه پژوهانه، سازوکار مداخله.

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

عبیری، رضا. و امامی، سیدمجتبی. (۱۴۰۳). ارزشیابی سازوکار مداخله برنامه پژوهانه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه تهران. *سیاست علم و فناوری*، ۱۷(۲)، ۵۱-۶۸.

DOI: 10.22034/jstp.2024.11665.1787



۱- مقدمه

فقدان منابع کافی یک محدودیت همیشگی است بنابراین همواره دانشگاه‌ها در معرض تصمیم تخصیص منابع اندک به مجموعه متنوع و متکثری از نیازهای پژوهشی اعضا هیئت علمی هستند و هیچ‌گاه منابع داخلی هزینه‌های روزافزون توسعه و پیشبرد برنامه‌های پژوهشی آنان را پوشش نمی‌دهد. در این شرایط الگوهای مختلف تخصیص منابع نتایج و دستاوردهای متفاوتی را رقم می‌زنند و در این بین برخی درجه بهینگی و مطلوبیت بالاتری در موفقیت دانشگاه و اجتماع علمی به همراه دارند. لذا طراحی و اجرای هوشمندانه نظام تخصیص منابع بسیار حائز اهمیت است.

برنامه راهبردی دانشگاه در حوزه پژوهش به واسطه سازوکار تخصیص منابع عینیت می‌یابد. در واقع این نظام تخصیص منابع است که پژوهش‌های دانشگاهی را در جهت تحقق معنای قصد شده از واژه کیفیت سوق می‌دهد. به وسیله ساختار و مکانیسم‌های تخصیص است که انجام پژوهش‌های مرزشکن و مدیریت تنوع، خلاقیت و نوآوری ممکن می‌شود. سازوکارهای تخصیص می‌توانند توسعه نوآوری‌های علمی را تسهیل کنند و یا ظهور این نوآوری‌ها را با چالش‌های جدی مواجه سازند و انجام پژوهش‌های دانشگاهی را تنها در چارچوب جریان‌های غالب امکان‌پذیر کنند [۳ و ۴] بنابراین مکانیسم‌های تخصیص تأثیر قابل‌توجهی در تعیین حدود و ثغور توسعه حوزه‌رشته‌ها دارند و به عنوان یک ابزار راهبردی در اداره پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرند.

اگر میزان بودجه و اعتبارات پژوهشی نقش مؤثری در کیفیت و بهره‌وری تحقیقات و برنامه‌های پژوهشی ایفا می‌کند و اگر نظام تخصیص اعتبارات سهم به سزایی در ایجاد این اثر و جهت‌دهی آن دارد و موفقیت و تعالی دانشگاه در عرصه پژوهش و فناوری را رقم می‌زند؛ مهم است که بدانیم سازوکارهای فعلی تخصیص اعتبارات پژوهشی تا چه اندازه در ایفای این نقش موفق عمل کرده‌اند. به ویژه که تاکنون تلاش‌های چندانی برای دستیابی به چنین فهم انجام نشده است. بنابراین ارزشیابی برنامه‌های تخصیص اعتبارات پژوهشی دانشگاه‌های کشورمان اهمیت مضاعفی خواهد یافت. با ارزشیابی این برنامه‌ها آشکار خواهد شد که آیا برنامه‌های تخصیص منابع و اعتبارات به‌اندازه کافی و رضایت

در طول سالیان گذشته همواره شاهد بحث و جدل‌های فراوانی پیرامون میزان اعتبارات پژوهشی لایحه بودجه بوده‌ایم. بسیاری وضعیت میزان اعتبارات فعلی را بغرنج توصیف می‌کنند و آمار و ارقام مربوط به بودجه پژوهش و فناوری را شاهدی بر ادعای خود می‌دانند. سهم اعتبارات پژوهشی لایحه بودجه در سال‌های مختلف از مصارف بودجه عمومی دولت و تولید ناخالص ملی به وضوح نشان می‌دهند اعتبارات بخش پژوهش و فناوری اوضاع بسامانی ندارد [۱]. آنچه بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد کمبود منابع در بخش پژوهش است، اما در کنار این مسئله، بحث تخصیص اثربخش این منابع نیز باید مدنظر قرار گیرد. بسیار مهم و حائز اهمیت است که این مقدار هر چند اندک در قالب چه برنامه‌هایی تخصیص می‌یابند.

بی‌شک کمبود منابع و وجوه در دسترس، کمیت و کیفیت برودادها و بهره‌وری برنامه‌های پژوهشی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. میزان منابع در دسترس پژوهشگر تأثیر به سزایی بر تصمیمات پژوهشگر در طراحی پروژه و حین انجام آن دارد. در علوم فنی و مهندسی، منابع بیشتر می‌تواند به معنای دسترسی به آزمایشگاه‌های مجهزتر، تجهیزات دقیق‌تر و نمونه‌های آزمایشی مناسب‌تر باشد که طبیعتاً نقش مؤثری در کیفیت پژوهش‌ها و اثربخشی نتایج آن خواهد داشت [۲]. در عین حال میزان اعتبارات به تنهایی تعیین‌کننده کیفیت تحقیقات و بهره‌وری برنامه‌های پژوهشی اعضا هیئت علمی نیست. مهم‌تر از حجم اعتبارات مکانیسم تخصیص آن است. میلیاردها تومان اعتبار پژوهشی اگر در زمان و مکان مناسبی قرار نگیرند نتایج و عواقب رضایت بخشی به همراه نخواهند داشت. پروژه‌ها و برنامه‌های پژوهشی همواره با تکیه بر احتمالات طراحی می‌شوند. وضعیت و موقعیت‌هایی همچون شکست‌های مقطعی، عدم تحقق برخی برآوردها، نازایی برنامه و یا سکون در نقاط عطف بخشی از طبیعت پیشبرد و توسعه برنامه‌های پژوهشی است [۲]. سازوکار تخصیص منابع نسبت به هر یک از این حالات موضع مشخصی دارد که کمک می‌کند تا برنامه پژوهشی در صورت امکان به مسیر پیشرفت و ترقی بازگردد.

• آیا پنل‌های مرور همتا در ارائه یک قضاوت آینده‌نگر موفق عمل کرده‌اند؟

در پاسخ به سؤال نخست پژوهشگران عملکرد پیشینی متقاضیان را مقایسه می‌کنند و مشاهده یک رابطه همبستگی بین عملکرد پیشینی بهتر و انتخاب پنل را انتظار دارند (به‌عنوان مثال [۹]). در پاسخ به سؤال دوم نیز عملکرد آتی پژوهشگران به عنوان شاخصی بر اعتبار و یا عدم اعتبار قضاوت‌های آینده‌نگر همتایان بررسی می‌شود (به‌عنوان مثال [۱۰ و ۱۱]).

ارتباط بین آشکال نهادی مختلف تأمین مالی و فعالیت‌های پژوهشی موضوع مطالعه برخی دیگر از پژوهش‌های خارجی است. فهم و تبیین چگونگی این ارتباط با استفاده از پژوهش‌های کیفی عمیق و دست یافتن به اثرات علی آشکال نهادی، نقطه تمرکز این پژوهش‌ها است. فرانس^۱ و همکارانش [۳] در پی شناخت محدودیت‌ها و ظرفیت‌های ابزارهای مختلف تأمین مالی به مطالعه و مقایسه گزنت‌ها و جوایز و تأثیرات این دو در نوآوری پژوهش پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد هر ابزار تأمین مالی با توجه به ظرفیت‌ها و محدودیت‌هایی که به همراه دارد قابل‌استفاده برای هر نوع پژوهشی با توجه به تفاوت پژوهش‌ها در ویژگی‌های شناختی و بالتبع شرایط لازم و مورد نیاز برای اجرا، نیست. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که وجود جوایز برای انجام پژوهش‌های نوآورانه و تحول‌آفرین بسیار حیاتی است.

مارک تورکا^۲ [۱۲] تغییر نهادی دوره‌های دکتری را موضوع مطالعات خود قرار داده است. به باور او بسیاری از مطالعاتی که تاکنون در مورد این موضوع انجام شده است بر راهبران خارجی تغییر نهادی دوره‌های دکتری متمرکز بوده‌اند [۱۳] و [۱۴]. آن‌ها این تغییر را به عنوان یک جابه‌جایی در روابط اقتدار و حرکت به سمت مدیریت‌گرایی نئولیبرال^۳ و یا صنعتی سازی دوره‌های دکتری^۴ تئوریزه کرده‌اند. تورکا معتقد است همان‌طور که اسکات در کتاب معروفش «نهادها و سازمان‌ها» شکل‌گیری نهادها را در سه سطح مختلف و گاهی

بخشی، هوشمندانه طراحی شده‌اند؟ این برنامه‌ها بر چه نظریات تغییری بنا شده‌اند؟ آیا با اتکا به این نظریه‌ها می‌توان ظرفیت بالقوه سازوکارهای تخصیص منابع پژوهشی را محقق کرد؟

در حال حاضر اعتبارات پژوهشی لایحه بودجه به وسیله برنامه‌های تأمین مالی مختلفی و از سوی سازمان‌ها و ارگان‌های متفاوتی در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد. هر کدام از این برنامه‌ها به‌تنهایی می‌توانند موضوع یک پژوهش ارزشیابی باشند و دقت هر برنامه در طراحی با توجه به دانش موجود مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. اما انتخاب ما با توجه به شمول برنامه و دسترسی پژوهشگران و اهمیت دو چندان ابزار تخصیص اعتبار گزنت، برنامه پژوهانه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها است. از میان مراکز آموزش عالی مختلف نیز دانشگاه تهران را به عنوان نخستین دانشگاهی که سازوکار تخصیص اعتبار ویژه (گزنت) را طراحی و اجرا کرده و الهام‌بخش سایر دانشگاه‌ها بوده است برگزیده‌ایم.

۲- پیشینه پژوهش

در پیشینه خارجی پژوهش‌هایی وجود دارند که به بررسی اثرات برنامه یا برنامه‌های تأمین مالی دولتی بر فعالیت‌های پژوهشی می‌پردازند. جریان پروژه محوری که روزه‌روز قوت بیشتری پیدا می‌کند [۵] موضوع مطالعه این تحقیقات است. این ادبیات در پی درخواست‌های رو به افزایش آژانس‌های تأمین مالی برای ارزشیابی اثرات برنامه‌های تأمین مالی شکل گرفته است. آژانس‌های تأمین مالی مایل‌اند بدانند آیا گزنت‌ها مقاصد اصلی آنان یعنی افزایش عملکرد پژوهشی و کیفیت علمی پژوهش‌ها را محقق کرده‌اند [۶]؟ معمولاً پژوهشگران در ارزشیابی یک برنامه تأمین مالی دو مسیر را پی می‌گیرند. مسیر نخست ناظر به اثرات برنامه تأمین مالی بر عملکرد آتی پژوهشگر است [۷] برای پاسخ به این سؤال غالباً تغییرات در تعداد آثار منتشرشده و میزان استنادات دریافت شده از مسیر یک رابطه همبستگی بررسی می‌شوند. (به‌عنوان مثال [۶، ۷] و [۸]) مسیر دوم به ارزشیابی رویه‌ها و ابزارهای تضمین کیفیت (فرآیند مرور همتا) اشاره دارد. به این منظور دو پرسش مطرح می‌شود:

• آیا بهترین متقاضیان انتخاب شده‌اند؟

¹ Franssen

² Marc Torcka

³ Neoliberal Managerialism

⁴ Industrialization of Doctoral Training

ویژگی‌های شناختی فرآیند پژوهش‌های مرزشکن و شرایط سازمانی انجام آن ارائه کنند.

سیستم‌های تأمین مالی مبتنی بر عملکرد دانشگاه‌ها نیز موضوع مطالعه بعضی پژوهش‌های خارجی است. تأثیر سیستم‌های تأمین مالی عملکرد محور بر کمیت و کیفیت پژوهش‌ها سؤال مشترک پژوهشگرانی است که این سیستم‌ها را مطالعه می‌کنند. تعدادی از پژوهشگران تغییرات در الگوهای انتشار را بررسی می‌کنند و به صورت معمول میزان استنادات و تعداد آثار منتشرشده پیش و پس از راه‌اندازی سیستم را می‌سنجند. در برخی از مطالعات این تحلیل‌ها با پیمایش، مصاحبه، تحلیل اسناد و مقایسه با روندهای سایر کشورها همراه می‌شود (به‌عنوان مثال [۱۰ و ۱۶]). البته برخی (به‌عنوان مثال [۱۷]) فراتر از بررسی الگوهای انتشار به مواردی همچون مشروعیت، شفافیت، چگونگی ایفای نقش سیستم به عنوان سنج ارزشیابی عملکرد در حوزه رشته‌های مختلف، استفاده از آن به عنوان یک ابزار مدیریتی و چگونگی ساماندهی و اداره آن در عمل نیز می‌پردازند.

وانچک^۵ و پچا^۶ [۱۸] در بررسی سیستم تأمین مالی مبتنی بر عملکرد کشور جمهوری چک دریافتند اگرچه طی ۱۵ سال گذشته تعداد مقالات منتشرشده، سالانه تا ۳ برابر افزایش داشته است اما این روند صعودی ناشی از افزایش در تعداد نوع خاصی از مقالات است که ارزش چندانی نسبت به دیگر انواع آثار ندارند. اما بررسی‌های آگاراد^۷ و همکارانش [۱۷] در مورد سیستم تأمین مالی عملکرد محور کشور نروژ حاکی از افزایش در تعداد آثار منتشرشده و در عین حال عدم تغییر الگوی انتشار است. نتایج مطالعه دیوید اندرسون^۸ و جان ترسلر^۹ [۱۹] متفاوت با یافته‌های آگاراد و همکارانش است. آن‌ها در بررسی سیستم تأمین مالی عملکرد محور کشور نیوزیلند دریافتند که سیستم در افزایش بهره‌وری موفق عمل کرده است اما در تحقق هدف اصلی‌اش یعنی افزایش کیفیت ناموفق بوده است.

رقیب تحلیل می‌کند؛ ما نیز باید از سطح بحث‌های هنجاری و چارچوب‌های رسمی سازمانی و قوانین تأمین مالی تنظیمی فراتر رفته و هم‌زمان سطح شناختی و ذهنی را در مورد قوانین معرفتی و اجتماعی که در واقع دوره‌های دکتری را برای هر رشته ویژه سازی می‌کنند در تحلیل‌هایمان وارد کنیم. ما باید بدانیم حوزه-رشته‌های مختلف چه واکنشی به این تغییر نهادی داشته‌اند و تا چه حد آن را پذیرفته و اجرایی کردند. به نظر می‌رسد ویژگی‌های معرفتی رشته‌های مختلف و شرایط اجتماعی بر میزان پذیرش و نحوه اجرای این سنخ از دوره‌های دکتری تأثیر داشته است.

مطالعه ریچارد^۱ وایتلی و همکارانش [۴] با رویکردی مکانیسمی به علیت انجام شده است. این مطالعه در عداد مطالعاتی است که سعی در پیشبرد جریان ساخت نظریه دارد. نظریه‌ای که تبیین خواهد کرد چگونه تغییرات نهادی و دگرگونی در نظام تأمین مالی، توسعه و پیشرفت علوم تجربی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آن‌ها تأثیرات تغییرات نهادی نظام‌های تأمین مالی را از گذرگاه «میزان» و «طول دوره» دسترسی پژوهشگر به منابع (به معنای اعم) با بررسی روند توسعه سه نوآوری علمی (در سه حوزه علم فیزیک، زیست‌شناسی و پژوهش‌های آموزشی) در ۴ کشور آلمان، هلند، سوئیس و سوئد، بررسی می‌کنند. آن‌ها نشان می‌دهند که برای هر نوآوری چگونه امکان دسترسی پژوهشگران در کشورهای مختلف به منابع مورد نیاز برای انجام پژوهش (از نظر میزان و طول دوره دسترسی) محیا شده یا نشده است.

گریت لودل^۲ و جوچن گلیسر^۳ [۱۵] یک تحلیل اکتشافی با تمرکز بر دو مورد از برنامه‌های تأمین مالی شورای پژوهش اروپا^۴ انجام داده‌اند. پژوهشگران ابتدا ویژگی‌های شناختی فرآیند پژوهش را شناسایی کرده و سپس آن‌ها را با شرایط لازم و مورد نیاز برای انجام تحقیقات مرتبط کرده‌اند. گام بعدی نسبت سنجی این شرایط با اسباب و وضعیتی است که گرنت‌های شورای پژوهش اروپا فراهم می‌کنند. پژوهشگران این مطالعه تلاش دارند تحلیلی جزئی‌تر از ارتباط بین

⁵ Vanecek

⁶ Pecha

⁷ Aagaard

⁸ Anderson

⁹ Tressler

¹ Richard Whitley

² Grit Laudel

³ Jochen Gläser

⁴ European Research Council (ERC)

روش‌های تخصیص منابع به عنوان ابزارهایی برای راهبری صریحاً اشاره شده است لیکن توجه چندانی به ارتباط الگوهای تخصیص منابع مالی و محتوای پژوهش نمی‌شود. «طراحی الگوی تخصیص منابع مالی آموزش عالی در ایران» نوشته فریبا خالقی سروش و همکارانش [۲۴] و مقاله «عقلانیت و عملکرد دولت در تأمین مالی آموزش عالی ایران» نوشته یعقوب انتظاری و معصومه قارون [۲۵] از جمله مقالاتی است که در این دسته جای می‌گیرند.

گلینی مقدم و حیدری نسب در مقالات «گرت در دانشگاه شاهد: از ضوابط تا اجرا» و «گرت: ارزیابی و آسیب‌شناسی؛ مطالعه موردی در دو دانشگاه شهر تهران» مشخصاً گرت‌های دانشگاهی را بررسی کرده‌اند. در مقاله نخست [۲۶] پژوهشگران به ارزیابی میزان رضایتمندی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه شاهد از برنامه گرت و تجزیه و تحلیل آن پرداخته‌اند. در مقاله دوم [۲۷] آسیب‌شناسی برنامه پژوهانه در محورهای اهداف برنامه، نحوه هزینه کرد بودجه گرت و امتیازدهی فعالیت‌های پژوهشی بررسی شده است. به علاوه با هدف مقایسه گرت‌های داخلی با دانشگاه‌های خارج از کشور، قوانین گرت در دو دانشگاه استنفورد و کالیفرنیا را مطالعه شده است.

بررسی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد ارزشیابی برنامه‌های تأمین مالی سهم اندکی از مطالعات خط‌مشی علم و آموزش عالی را به خود اختصاص داده است. نزدیک‌ترین تحقیقات، پژوهش‌های آسیب‌شناسانه‌ای است که در مورد برخی برنامه‌های تأمین و تخصیص منابع مالی انجام شده است. بهره‌گیری از روش‌ها و چارچوب‌های مفهومی ارزشیابی خط‌مشی می‌تواند درک بهتر و واقع‌بینانه‌تری از آنچه انجام داده‌ایم فراهم کند و با توجه به فقدان مطالعات ارزشیابانه خط‌مشی علم در کشور، رهاورد مفیدی برای مدیران و سیاست‌گذاران این حوزه داشته باشد.

۳- روش‌شناسی

یکی از اقسام ارزشیابی، ارزشیابی نظریه محور^۲ است. ارزشیابی نظریه محور (ارزشیابی نظریه برنامه محور) یک

اوسن بلاک^۱ و همکارانش [۱۶] به بررسی و مقایسه الگوهای انتشار در دو نظام تأمین مالی مبتنی بر عملکرد پرداخته‌اند. دو معیار میزان انتشار به زبان انگلیسی و نمایه شده در وبگاه وب آو ساینس در دو کشور بلژیک و نروژ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تأکید بیشتر سیستم بلژیکی بر مقالات منتشرشده در مجلات نمایه شده و شمارش استنادات آن‌ها سبب شد تا انتشار مقالات در مجلات نمایه شده در وبگاه وب آو ساینس در این کشور از ۲۵ درصد به ۴۰ درصد افزایش یابد. در حالی که این روند در کشور نروژ ثابت باقی مانده است.

برخی مطالعات اگرچه مستقیماً یک مداخله (برنامه) را مطالعه نمی‌کنند لیکن دلالت‌های بسیاری ناظر به چگونگی تأثیر برنامه‌های تأمین مالی دولتی بر محتوای پژوهش دارند. برخی از پژوهش‌ها که بر آژانس‌های تأمین مالی متمرکزند و نقش و کارکرد آن‌ها را در انتقال انتظارات و خواسته‌ای بیرونی به محققان مطالعه می‌کنند از این سنخ هستند (به‌عنوان مثال [۲۰] و [۲۱]). مطالعه گریت لودل [۲۲] در خصوص افسانه کیفیت نیز از این دست مطالعات است. هدف او آزمون فرضیه علی است که پس قضیه «کیفیت همه چیز است» قرار دارد. این فرضیه را می‌توان این‌طور تقریر کرد: هر چه کیفیت یک پژوهشگر یا پروپوزال پژوهشی بیشتر باشد احتمال اخذ یک گرت بیرونی بالاتر است. او با استفاده از مطالعات کیفی و مقایسه‌ای این فرضیه را ابطال می‌کند.

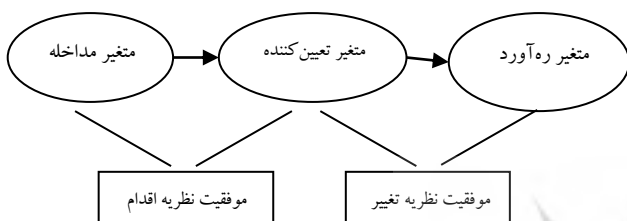
در میان پژوهش‌های داخلی مقالاتی که به بررسی مقوله ارتباط دانشگاه و صنعت می‌پردازند اشاراتی به نقش تخصیص و تأمین منابع مالی در برقراری این ارتباط و اشاعه گونه و شکل خاصی از فعالیت‌های پژوهشی دارند. اثر فائض و شهابی [۲۳] با عنوان «ارزیابی و اولویت‌بندی موانع ارتباط دانشگاه و صنعت» حاوی چنین اشاراتی است.

برخی آثار با محوریت موضوع طراحی الگوی تخصیص منابع مالی به دانشگاه‌ها نگاشته شده‌اند. در این پژوهش‌ها به سؤالاتی از این سنخ پاسخ داده می‌شود که بودجه‌های دولتی چگونه و بر چه اساسی باید به دانشگاه‌ها اختصاص یابد؟ سهم بخش خصوصی در تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها چیست و چگونه باید باشد؟ گرچه در برخی از این مقالات به

² Theory-driven Evaluation

¹ Ossenblok

نظریه تغییر در گام نخست تأثیر متغیر مداخله بر متغیر تعیین‌کننده سنجیده می‌شود و در گام بعدی تأثیر متغیر تعیین‌کننده بر ره‌آوردها مورد سنجش قرار می‌گیرد. بنابراین ابتدا باید اطمینان حاصل کنیم که متغیر مداخله به خوبی بر متغیر تعیین‌کننده اثر گذاشته است تا در مرحله بعدی تأثیر متغیر تعیین‌کننده بر متغیر مداخله را مورد سنجش قرار دهیم. لذا همانگونه که در شکل شماره یک نشان داده شده است باید دو نظریه را مورد آزمون قرار بدهیم؛ نظریه تغییر و نظریه اقدام [۲۹]:



شکل ۱) مدل مبنا در ارزشیابی نظریه تغییر [۲۹]

مطالعه نظام‌مند کورین^۷ و همکارانش [۳۰] نشان می‌دهد تعداد بسیار اندکی از پژوهشگرانی که ادعای استفاده از رهیافت ارزشیابی نظریه برنامه را دارند تمامی مراحل و اصول این رهیافت را به کار بسته‌اند. در پژوهش حاضر نیز تنها به طرح و نقد نظریه تغییر برنامه پژوهانه اعضا هیئت علمی دانشگاه تهران بسنده کرده‌ایم. آیین‌نامه اعتبار ویژه پژوهشی دانشگاه تهران به عنوان نخستین آیین‌نامه تدوین شده در سطح کشور به عنوان مورد مطالعه انتخاب شد که بعدها به عنوان مبنا و الگویی برای تدوین آیین‌نامه پژوهانه سایر دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

نخستین آیین‌نامه تخصیص اعتبارات ویژه (گرنٹ) در سال ۱۳۸۰ در دانشگاه تهران به تصویب رسید و در سال‌های بعد با اصلاحات متعددی همراه شد. بررسی نسخه‌های مختلف آیین‌نامه پژوهانه نشان می‌داد تفاوت ماهوی و اساسی در نسخه‌های بعدی آن رخ نداده است. تنها شاخص‌ها و معیارهای سنجش عملکرد گذشته پژوهشگران تعدد یافته

سنجش زمینه‌ای یا کل‌نگرانه از یک برنامه بر مبنای چارچوب مفهومی نظریه برنامه است. نظریه برنامه هیئتی نظام‌مند از پیش فرض‌های تجویزی و پیش فرض‌های زیربنای یک برنامه است. پیش فرض‌های توصیفی (نظریه تغییر^۱) فرآیندهای علی را توضیح می‌دهد که منجر به تحقق هدف می‌شوند. پیش فرض‌های تجویزی (نظریه اقدام^۲) مؤلفه‌ها و فعالیت‌هایی را تجویز می‌کنند که برنامه را قادر می‌کند تا کار ویژه خود را محقق کند. از آنجا که موفقیت یک برنامه در دستیابی به اهدافش، بستگی به اعتبار نظریه برنامه‌اش دارد، ارزشیابی مبتنی بر چارچوب مفهومی نظریه برنامه، نه تنها اطلاعاتی درباره اثربخش بودن یا اثربخش نبودن برنامه در اختیار ما قرار می‌دهد، بلکه دلایل این اثربخشی یا عدم آن را هم به ما ارائه خواهد داد [۲۸].

بسته به اینکه ارزشیابی بر کدام بخش از چارچوب مفهومی نظریه برنامه تمرکز دارد، مدل‌های مختلفی از ارزشیابی نظریه محور قابل تولید است. انواع ارزشیابی‌های نظریه محوری عبارت‌اند از: ارزشیابی فرآیند نظریه محور^۳، ارزشیابی مکانیسم مداخله^۴، ارزشیابی مکانیسم تعدیل‌کننده^۵، ارزشیابی تلفیقی فرآیند/رهاورد^۶.

از بین اقسام مختلف ارزشیابی نظریه محور، ارزشیابی مکانیسم مداخله برای انجام این پژوهش انتخاب شده است. ارزشیابی مکانیسم مداخله بر نظریه تغییر برنامه متمرکز است. در مدل منتخب از نظریه برنامه، نظریه تغییر از سه مؤلفه رهاوردها، تعیین‌کننده‌ها و مداخله تشکیل شده است. اهداف بیانگر تمایل به رفع نیازهایی است که تاکنون برآورده نشده‌اند. تعیین‌کننده‌ها اشاره به مکانیسم‌های اهرمی و یا علل یک مشکل دارند که با فعال کردن اهرم‌ها یا رفع علل اهداف برنامه به سرعت محقق خواهد شد [۲۸] مداخله یا درمان شامل فعالیت یا فعالیت‌هایی از یک برنامه است که به صورت مستقیم برای تغییر تعیین‌کننده‌ها قصد شده‌اند.

در شکل ایده آل ارزشیابی مکانیسم مداخله پس از ترسیم

¹ Change Theory

² Action Theory

³ Theory-driven Process Evaluation

⁴ Intervening Mechanism Evaluation

⁵ Moderating Mechanism Evaluation

⁶ Integrative Process/Outcome Evaluation

⁷ Coryn

جوایز متعددی در این حوزه شده است. تجربه پژوهشگران نیز نشان می‌داد خبرگزاری مهر از آرشیو مناسبی در حوزه علم و فناوری برخوردار است. جست‌وجو با کلیدواژه‌های پژوهانه، گزنت و اسامی برخی از طراحان برنامه که در مصاحبه‌های حضوری به دست آمده بود به گردآوری مصاحبه‌های متعددی انجامید. علاوه بر خبرگزاری‌ها، نشریات و مجلات داخلی دانشگاه تهران از جمله دوماهنامه مدت نیز برای دستیابی به مصاحبه‌های مسئولین دست‌اندرکار در تدوین برنامه پژوهانه بررسی شد.

حاصل این مرحله از گردآوری داده، پس از غربالگری مصاحبه‌های متعدد سه مصاحبه بود. دو نفر از مصاحبه‌شوندگان در مصاحبه‌های مکتوب با مصاحبه‌های حضوری مشترک بودند اما این مصاحبه‌ها داده‌های افزون‌تری داشت چراکه در بازه زمانی نزدیک‌تری به تاریخ تصویب آیین‌نامه پژوهانه انجام شده بود. مصاحبه‌شونده سوم هفت سال معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، معاونت پژوهشی یکی از دانشکده‌های فنی و ریاست یک واحد پژوهشی در دانشگاه تهران را در سابقه داشت.

پس از گردآوری مصاحبه‌های ممکن، با هدف تبیین بهتر بستر شکل‌گیری برنامه پژوهانه در دانشگاه تهران داده‌های تاریخی مرتبط با برنامه گردآوری شد تا در تشریح شرایط اولیه نظریه برنامه پژوهانه و تقویت روایت نظریه مورد استفاده قرار گیرند. از بدو تأسیس دانشگاه تهران قوانین مرتبط با اداره دانشگاه احصا و مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و سنا پیرامون هر قانون یا لایحه احصا گردید. به علاوه کتب خاطراتی چون «یک زندگی سیاسی» نوشته دکتر علی‌اکبر سیاسی و یا کتب تاریخی چون تاریخ هشتادساله دانشکده فنی دانشگاه تهران که حاوی مصاحبه‌های ارزشمندی با دانشجویان و اساتید دانشگاه تهران در طی ۸۰ سال گذشته است مورد استفاده قرار گرفت.

برای انجام مصاحبه‌ها از راهنمای عمومی مصاحبه پاتون^۱ [۳۱] استفاده شده است که جدول شماره یک آن را نمایش می‌دهد. در این رویکرد به مصاحبه، موضوعات بحث‌انگیز و عناوین آن‌ها به صورت خلاصه از قبل آماده می‌شوند. ترتیب

است و برخی ملاحظات ناظر به تفاوت رشته‌های مختلف لحاظ شده است. اما همچنان ایده محوری آیین‌نامه تخصیص اعتبارات مبتنی بر عملکرد گذشته اعضای هیئت‌علمی است و اهداف تصریح‌شده در متن آیین‌نامه‌های مختلف تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند. بنابراین نخستین آیین‌نامه که در سال ۱۳۸۰ به تصویب شورای پژوهشی دانشگاه تهران رسیده بود مبنای استخراج نظریه تغییر برنامه پژوهانه قرار گرفت.

در پژوهش پیش رو با بسط و توسعه نظریه تلویحی طراحان برنامه در پی ترسیم نظریه تغییر آن برآمده‌ایم. به منظور داده‌یابی، انجام مصاحبه‌های حضوری، گردآوری مصاحبه‌های انجام‌شده در زمان مسئولیت مصاحبه‌شوندگان و داده‌های تاریخی مرتبط با زمینه شکل‌گیری برنامه در دستور کار قرار گرفت.

با بررسی و تطابق بازه زمانی تصویب آیین‌نامه تخصیص اعتبارات ویژه پژوهشی با بازه مسئولیت مسئولین اسبق معاونت پژوهشی دانشگاه تهران نخستین افراد برای مصاحبه انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان بعدی در مصاحبه‌ها با استفاده از استراتژی نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. اما تمامی این افراد در کسوت معاونت پژوهشی دانشگاه یا دانشکده‌ها بودند. یعنی کسانی که در شورای پژوهشی دانشگاه در تصویب آیین‌نامه اعتبارات پژوهشی دانشگاه نقش ایفا کرده‌اند. نخستین مصاحبه‌شونده چهارده سال معاونت پژوهشی دانشگاه تهران و پنج سال ریاست دانشگاه را در کارنامه داشت. دومین مصاحبه‌شونده که در مصاحبه نخست به تیم پژوهشی معرفی شده بود ایده‌پرداز و طراح آیین‌نامه تخصیص اعتبارات ویژه (گزنت) در سال ۱۳۸۰ بود. ریاست دانشگاه تهران، دانشکده‌های فنی و معاونت پژوهشی یکی از دانشکده‌های فنی دانشگاه بخشی از سوابق اجرایی وی به شمار می‌رفت.

جست‌وجوی داده‌ها از یک سو به منظور رسیدن به اشباع نظری و از سوی دیگر با هدف تأمین کیفیت داده‌ها و دسترسی حداکثری به داده‌های موجود ادامه یافت. بخش دیگری از داده‌ها با بررسی خبرگزاری‌های ایسنا و مهر گردآوری شد. خبرگزاری ایسنا با سابقه طولانی مدت در حوزه علم و فناوری به عنوان یک خبرگزاری حرفه‌ای حائز

^۱ Patton

این سه قسمت عبارت‌اند از: مقدمه یا شرایط اولیه، متغیرهای واسط و پیامد. بنابراین هر کد علی یک فرآیند ۳ بخشی (کد ۱ ← کد ۲ ← کد ۳) را نمایندگی می‌کند که البته با توجه به علل و پیامدهای متعددی که در یک زنجیره می‌تواند وجود داشته باشد هر بخش می‌تواند شامل چند کد باشد.

گاهی به سادگی و به صورت متوالی تمامی عناصر یک زنجیره در جمله یا جملاتی پی‌درپی قابل‌رؤیت است. حتی عبارتی همچون «زیرا»، «چراکه» و «در نتیجه» در جملات به روشنی دلالت بر تعلیل می‌کنند. اما در برخی اوقات فرآیندها خود به آسانی قابل ردیابی نیستند و در روایت‌ها پنهان می‌شوند. برخی اوقات مصاحبه‌شونده شرایط اولیه، متغیرهای واسط و پیامدها را پس‌و‌پیش می‌کند. در چنین مواردی پژوهشگر باید قطعات یک فرآیند را از سرتاسر متن گردآوری کند [۳۲ و ۳۳].

جدول ۲ نمونه‌ای از کدگذاری انجام شده در مورد یک مصاحبه را نشان می‌دهد.

پس از کدگذاری متن و احصا زنجیره‌های علی مختلف، نوبت به جمع و یکپارچه کردن زنجیره‌ها و ترسیم شبکه نهایی می‌رسد. در این مرحله بر اساس شباهت بین زنجیره‌ها اقدام به دسته‌بندی و ادغام آن‌ها می‌کنیم. البته مرسوم است که برای ایجاد نوعی صراحت نسبت به کد زنی اولیه و تشکیل سازمانی نظری و مفهومی فرآیند کد زنی ثانویه طی می‌شود [۳۲ و ۳۳] اما گاهی نیازی به انجام کد زنی ثانویه نیست و مقصود پژوهشگر با یک دور کد زدن حاصلی می‌شود. در این پژوهش نیز با توجه به بسط بودن مدل‌های ذهنی پژوهشگران، طی یک فرآیند کد زنی کفایت می‌کرد.

هر شبکه علی متشکل از چندین زنجیره است که هر یک روایت خود را دارند. ارائه روایتی که حکایت‌گر تمامی شبکه است موجب انسجام و یکپارچگی فهم ما خواهد شد و قدری از مکانیکی بودن آن خواهد کاست. به علاوه هیچ چیز بیش از زمینه و زمانه یک‌یک کنش، اراده و تصمیم به فهم آن کمک نمی‌کند [۳۳]. روایت ما اگرچه برگرفته از مصاحبه‌های انجام شده است اما سایر داده‌های تاریخی حاصل از مصاحبه‌ها،

و صورت سؤالات در طول مصاحبه مشخص می‌شود. راهنمای مصاحبه شامل فهرستی از سؤالات و موضوعاتی است که باید در طول مصاحبه به آن‌ها بپردازیم. این راهنما به ما کمک خواهد کرد که تا اطمینان حاصل کنیم برای ترسیم یک نظریه تغییر همه مؤلفه‌های ضروری و اساسی را در مصاحبه پی‌گیری کرده‌ایم. در این رویکرد پژوهشگر آزاد است که مکالمه و گفت‌وگوی خودش را در هر محور و زیر موضوع بسازد.

جدول ۱) راهنمای مصاحبه با طراحان برنامه پژوهانه دانشگاه تهران

عناصر نظریه	سؤالات و رؤوس مکالمه
زمینه و بستر	مسئله چه بود؟ چه مشکلی احساس می‌شد؟ و چه کمبودهایی وجود داشت؟ چه موانعی برای رشد و توسعه فعالیت‌های پژوهشی اعضا هیئت‌علمی وجود داشت که با اعطای اعتبار ویژه ^۱ رفع می‌شد؟ چه فرصت‌هایی برای رشد و توسعه فعالیت‌های پژوهشی اعضا هیئت‌علمی مورد نیاز بود که با اعطای اعتبار ویژه فراهم می‌شد؟ این مسئله و مشکل مولود چه عواملی بود؟ این مشکل چه عواقبی به همراه داشت؟
درمان و مداخله	چه درمان یا مداخله‌ای مناسب به نظر می‌رسید؟ چه باید می‌کردیم؟
ره‌آوردها و پیامدها	در صورت موفقیت چه دستاوردهایی میان‌مدت و بلندمدتی حاصل می‌شد؟
متغیرهای تعیین‌کننده	چگونه این دستاوردها محقق می‌شدند؟ چرا برنامه باید این دستاوردها را محقق می‌کرد؟

داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش کدنگاری علی تحلیل شده‌اند. در چنین روش کدگذاری واحد تحلیل ما یک اسناد است که به دلایل و تبیین‌های علی اشاره دارد. یک اسناد عبارتی است که نشان می‌دهد یک فرد ارتباط بین یک علت و پیامد را چگونه می‌بیند. به عبارتی دیگر یک اسناد به پرسش «چرا؟» پاسخ می‌دهد. یک اسناد می‌تواند شامل یک رویداد، کنش و یا یک ویژگی و خصیصه باشد [۳۲].

معمولاً در منابع کدگذاری علی هر کد علی را متشکل از سه قسمت ذکر می‌کنند [۳۲ و ۳۳]. در نظر مایلز و همکارانش

^۱ Grant

جدول ۲) کدگذاری علی مصاحبه‌های انجام‌شده

<p>... در این دوران جنبه آموزشی دانشگاه غلبه داشت. یعنی ناظر به پژوهش تکلیفی از اساتید خواسته نمی‌شد. ... در همین سال‌ها بودجه پژوهشی اندکی وجود داشت که همه اساتید به صورت عادلانه از این بودجه استفاده نمی‌کردند. هر کدام از اساتید که اطلاعات بیشتری داشتند بهره بیشتری می‌بردند ... اکثر اساتید کار آموزشی انجام می‌دادند و چون مطالبه‌ای هم نبود کاری به این مقدار بودجه پژوهشی موجود نداشتند ... پس از مدتی احساس کردیم باید از اساتید انجام فعالیت‌های پژوهشی را بخواهیم ... این نیاز احساس شد که لا اقل از اساتید مقاله بخواهیم. در ادامه این مسیر دوستان احساس می‌کردند بازهم کسانی که اطلاعات بیشتری دارند بهره‌مندتر هستند ... اگر چه برخی تحرک و انگیزه کافی را ندارند ولی ما به عنوان دانشگاه باید سیاست‌گذاری را معطوف به همه اساتید انجام بدهیم. ... بالاخره به این نتیجه رسیدیم که بخشی از اعتبار پژوهشی را به عموم افراد تخصیص بدهیم. به عبارت دیگر به نحوی این بخش از بودجه را بین افراد توزیع کنیم. به آقای فلانی بگوییم که شما هم از بودجه این مقدار سهم دارید.</p> <p>بر اساس نتیجه کارهای پژوهشی که استاد در سال گذشته داشته است؛ نتیجه را ملاک قرار بدهیم و بر آن اساس بودجه را توزیع کنیم. این مطلب چه آورده‌ای داشت؛ هر که فعال‌تر بودجه بیشتر.</p> <p>تخصیص این اعتبار علاوه بر اینکه به مصرف بهینه اعتبارات پژوهشی دانشگاه منجر می‌شود، موجب افزایش اعتبار و جایگاه معنوی محققان دانشگاهی هم می‌گردد ...</p>	<p>سطح نازل حجم فعالیت‌های پژوهشی ← تغییر در نحوه توزیع اعتبارات ← توزیع متقارن اطلاعات ← افزایش انگیزه ← افزایش فعالیت‌های پژوهشی</p>
<p>... دانشگاه تهران تلاش نموده است که فضای مناسب پژوهش را فراهم کرده و با تدوین دستورالعمل‌های لازم موانع و مشکلات موجود را از میان بردارد. به گفته‌ی وی، واگذاری مسؤلیت‌های مربوط به تصویب طرح‌ها و دانشکده‌ها و موسسات پژوهشی دانشگاه با هدف تمرکز زدایی موجب شده است که شورای پژوهشی دانشگاه با فراغ‌بال بیشتری به وظیفه اصلی خود، یعنی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و نظارت بر روند پژوهش‌ها بپردازد... از جمله اقدامات شورای پژوهشی طی سالهای اخیر را ایجاد تغییر در توزیع اعتبارات طرح‌های پژوهشی به منظور استفاده بهینه از اعتبارات و منابع مالی دانشگاه و کاهش بوروکراسی و افزایش نظارت و کنترل نحوه هزینه‌های طرح‌های پژوهش و تشویق و ترغیب اعضای هیات علمی به همکاری با مراکز و سازمانهای خارج از دانشگاه با تخصیص اعتباری تحت عنوان "گرننت اعتبار ویژه" بیان کرد...</p>	<p>تمرکز بیش از اندازه امور در ستاد ← تمرکز زدایی تسهیل فرآیندها ← افزایش انگیزه افزایش فعالیت‌های پژوهشی</p>
<p>به هر صورت که دانشگاه نیاز داشته باشد می‌تواند شاخص‌ها را تنظیم کند. به عنوان مثال اگر نیاز به مقاله داشته باشیم می‌توانیم امتیاز مقالات را افزایش دهیم. اگر نیاز به فناوری داشته باشیم امتیاز فناوری را افزایش می‌دهیم و امتیاز مربوط به مقالات را کاهش می‌دهیم. مثلاً برای علوم انسانی کتاب‌های حائز اهمیت است پس امتیاز کتاب را افزایش می‌دهیم. چون انتشار مقالات در علوم انسانی سخت‌تر است امتیاز تعلق گرفته به یک مقاله منتشر شده به زبان انگلیسی در رشته‌های علوم انسانی را چند برابر سایر رشته‌ها در نظر می‌گیریم. یعنی سیاست‌گذار دست‌بازی برای تنظیم شاخص‌ها دارد. کار پژوهش دانشگاه هم پویاست و تغییرات زیادی در آیین‌نامه اعمال می‌شود. برخی از دوستان اعتراض می‌کنند که تغییرات زیاد است ولی به هر حال ایجاب می‌کند که تغییرات در بخش پژوهش زیاد است ما هم در آیین‌نامه دست‌بازیم و تغییراتی را اعمال کنیم.</p>	<p>اعمال اراده در بخش پژوهش ← تسهیم بودجه بر اساس تعیین شاخص‌ها و وزن دهی هر یک تحقق اراده و خواست سازمان</p>

روز بعد سیاسی ساختمانی را در خارج از وزارت خانه به منظور امور اداری دانشگاه اجاره کرد و نام آن را «اداره کل دبیرخانه دانشگاه» نهاد. این اداره شامل ادارات مختلفی چون کارگزینی، آموزش، حسابداری و بازرسی بود. تمامی مدارک و اسناد مربوط به دانشگاه و دانشگاهیان از ادارات مختلف وزارت فرهنگ به این اداره منتقل شد [۳۶].

با این حال حاصل این تلاش‌ها چیزی جز استقلال اداری و آموزشی دانشگاه تهران نبود. ماده هفت «قانون اجازه تأسیس دانشگاه در طهران» همچنان اجرایی نشده بود. این یعنی دانشگاه همچون بسیاری از مؤسسات و ادارات دولتی، تابع قانون محاسبات عمومی است و امور مالی خود را زیر نظر و با جلب موافقت ذی‌حسابی که از طرف وزارت دارایی منصوب می‌گردد انجام می‌دهد [۳۶]. چنین ترتیبی به هیچ عنوان با نیازها و خواست دانشگاهیان همراه نبود. ضرورت تهیه فوری و بلادرنگ اقلام مورد نیاز فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی اساتید دانشگاه، دقت‌ها و ظرافت‌های لازم در خرید آن‌ها و حتی تشخیص صحیح احتیاجات ضروری دانشگاه از موارد قابل اجتناب هیچ سنخیتی با فرآیند پریچ‌وخم استفاده از اعتبارات بودجه آن سال‌ها ندارد.

با اخراج آرتور میلیسپو مستشاری مالی آمریکایی در دی‌ماه ۱۳۲۳ تلاش سیاسی برای تحقق استقلال کامل دانشگاه از سر گرفته شد. ۳ بهمن ۱۳۲۳ و در حین مذاکرات راجع به متمم قانون دو دوازدهم دکتر محمد مصدق پیشنهاد می‌کند تا تبصره ۴ اصلاح شود و دانشگاه مجاز باشد تا هزینه‌های علمی و فنی مربوط به خود را در حدود اعتبارات مصوب مجلس شورای ملی و طبق مصوبات شورای دانشگاه انجام دهد و نهایتاً صورت‌حساب خود را به وزارت دارایی ارسال کند. او در دفاع از این پیشنهاد به عدم تطابق ضرورت‌های اداره دانشگاه با فرآیندهای اجرای بودجه اشاره می‌کند و از نمایندگان مجلس می‌خواهد که به نخبگان و اشخاصی که روزنه‌های امید کشور هستند اعتماد داشته باشند [۳۵].

دکتر عیسی صدیق وزیر وقت فرهنگ که در تدوین لایحه قانون اجازه تأسیس دانشگاه تهران نقش داشته است به عنوان آخرین دفاعیه از پیشنهاد دکتر مصدق به تجارب مثبتی که در دانشسرای عالی راجع به هزینه کرد بودجه داشته‌اند اشاره

خاطرات و کتاب‌های تاریخی آموزش عالی آن را تقویت می‌کند. پس از مصاحبه‌ها تلاش کردیم با تمام شماری قوانین و مقررات ناظر به رابطه دولت و دانشگاه تهران از ابتدای تأسیس آن و بررسی شرح مذاکرات مجلسین و خاطرات، تصویری تا به حد امکان صواب از زمینه شکل‌گیری برنامه پژوهانه ارائه کنیم.

در این پژوهش اعتباربخشی یافته‌ها از طریق مستندسازی کامل و ارائه گزارش دقیق پژوهش، عرضه توصیفی غنی از پدیده مطالعه و بافت و زمینه آن و کثرت‌گرایی در منابع و ابزارهای استخراج داده انجام شده است. ارائه توصیف غنی از بافت و زمینه موضوع مورد مطالعه به خواننده کمک خواهد کرد تا بتواند تفسیر و تحلیل پژوهشگر از داده‌ها را قضاوت کند [۳۴].

۴- یافته‌ها

لایحه‌ای که با رأی مجلس شورای ملی در ۸ خرداد ۱۳۱۳ «قانون اجازه تأسیس دانشگاه در طهران» نام گرفت از نظر ساختار مدیریتی و استقلال آکادمیک نکات و ظرفیت‌های بدیعی به همراه داشت. به موجب این قانون دانشگاه در ابعاد اداری، مالی و تشکیلاتی مستقل شناخته می‌شد [۳۵]. اما آنچه در واقع امر رخ داده نسبتی با متن قانون نداشت.

علی‌اکبر سیاسی که نامش با دانشگاه تهران و توسعه آن گره‌خورده معتقد است در هشت سال نخست دانشگاه مناسبات قدرت در دولت و دستگاه‌های اداری بازتولید کاملی در دانشگاه داشته است [۳۶]. اما پس از جلوس او در سال ۱۳۲۱ بر مسند وزارت فرهنگ در کابینه احمد قوام، نخستین تلاش‌ها برای استقلال دانشگاه از این وزارت خانه آغاز شد. سیاسی که در اوایل دوران وزارتش مورد عنایت و محبت مخصوص شاه قرار داشت در جلسات خصوصی که با شاه ترتیب داده می‌شد توانست موافقت او را نسبت به استقلال دانشگاه جلب کند. در گام بعدی سیاسی موضوع را در هیئت دولت مطرح کرد و احمد قوام پیشنهاد او دایر به اعطای استقلال رسمی به دانشگاه تهران را مورد تصویب قرار داد [۳۶]. به همت او در ۱۵ بهمن ۱۳۲۱ در مراسمی با حضور شاه جوان استقلال دانشگاه تهران رسماً اعلام شد.

بوروکراسی زائد و کاغذبازی درون دانشگاه نداشت. از همین رو بود که داریوش شیروانی استاد دانشگاه تهران و نماینده مردم تهران در دوره بیست و چهارم مجلس شورای ملی طی بحث در مورد برنامه دولت جعفر شریف امامی خطاب به هوشنگ نهاوندی وزیر پیشنهادی علوم و آموزش عالی به بوروکراسی زائدی که توسط نظام ذی‌حسابی ایجاد شده اشاره می‌کند [۳۷].

شاید بتوان «قانون تشکیل و اختیارات هیئت امناء دانشگاه تهران» را آخرین تلاش برای جدا کردن دانشگاه تهران از نظام اداری و سیاسی کشور دانست. نهادی که قرار بود به عنوان نماینده قانونی دانشگاه کلیه امور علمی، فنی، آموزشی، مالی، اداری و استخدامی دانشگاه زیر نظر آن اداره می‌شود [۳۸]. امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت در تقدیم این لایحه به مجلس شورای ملی هدف از تدوین این لایحه را تسریع رسیدگی به مسائل دانشگاه و حذف تشریفات زائد اداری اعلام می‌کند. ابوالفضل حاذقی حین بحث در مورد طرح گزارش شور اول کمیسیون آموزش و پرورش راجع به این لایحه نیز بر این موضوع تأکید می‌کند [۳۹].

اهداف ذکر شده از تدوین چنین لایحه‌ای چیزی فراتر از غایات قوانینی که شرح آن گذشت نیست. این قانون نیز به عاقبت مصوبات گذشته دچار شد. با تصویب قانون «هیئت‌های امناء مؤسسات عالی علمی دولتی» در سال ۱۳۵۰ این قانون ملغی اعلام شد و اختیارات هیئت‌امنائی دانشگاه تهران نسبت به سال ۱۳۴۶ تقلیل یافت. نقل‌قولی که از داریوش شیروانی در خصوص دانشگاه تهران ذکر کردیم مربوط به سال ۱۳۵۷ است یعنی ده سال پس از تصویب این قانون. در همین سال است که هوشنگ نهاوندی به عنوان نخستین اقدام وزارت علوم و آموزش عالی، لایحه استقلال دانشگاه‌ها را تدوین و به مجلس می‌فرستد. اگر قوانین مربوط به هیئت‌های امناء مؤثر می‌افتاد این نقل‌قول‌ها و این لوایح چه معنایی می‌توانند داشته باشند؟

تأسیس وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۳ آغازی است برای پایان دادن به تمامی این تلاش‌ها. تأسیس این نهاد شروعی دوباره از سوی نظام سیاسی و اداری کشور برای سیطره بر نهاد علم است. یک سال بعد با تأسیس شورای

می‌کند. پیشنهاد اصلاحی دکتر مصدق نهایتاً تصویب می‌شود اما علی‌اکبر سیاسی می‌گوید: این تبصره به سرنوشت ماده هفت «قانون اجازه تأسیس دانشگاه در طهران» دچار شد و هیچ‌گاه دولت‌ها زیر بار آن نرفتند و اجرایش نکردند و این سرنوشت نخستین تلاش برای اعطای استقلال مالی به دانشگاه تهران بود.

دومین تلاش سیاسی در بهمن‌ماه ۱۳۲۵ و در سالروز «جشن تأسیس و استقلال دانشگاه» انجام شد. او احمد قوام را که برای بار دوم مأمور تشکیل دولت شده بود قانع می‌کند که عدم استقلال مالی و عدم معافیت دانشگاه تهران از قانون محاسبات عمومی هیچ دلیل جز زیاده‌خواهی وزارت دارایی ندارد [۳۶]. با اصرار و پیگیری‌های مجدانه سیاسی در مراسم استقلال دانشگاه قوام السلطه استقلال مالی دانشگاه را اعلام می‌کند. اما این اعلامیه نیز به سرنوشت تبصره مذکور و ماده هفت «قانون اجازه تأسیس دانشگاه در طهران» دچار شد.

شاید بتوان مذاکرات سیاسی با مصدق در سال ۱۳۳۲ را آخرین تلاش‌های او برای تحقق استقلال مالی دانشگاه دانست. سیاسی علاوه بر سابقه آشنایی با مصدق بستگی سببی نیز به او داشت. پس از انحلال مجلس شورای ملی توسط مصدق و در دست گرفتن اختیار قانون‌گذاری، سیاسی ملاقاتی را با او ترتیب می‌دهد. پس از یادآوری سرنوشت استقلال مالی دانشگاه‌ها از او می‌خواهد با توجه به اختیاراتی که دارد این استقلال را به دانشگاه اعطا کند. در نتیجه گفت‌وگوی این دو، اختیارات وزارت دارایی در امور مالی دانشگاه کلاً به کمیسیونی به نام «کمیسیون مالی دانشگاه» داده شد که مرکب از روسای دانشکده‌ها، روسای حسابداری دانشگاه و دانشکده پزشکی، معاون وزارت دارایی و به ریاست رئیس دانشگاه تهران بود [۳۶]. ماحصل این گفت‌وگو و ابلاغ دکتر محمد مصدق نیز به سرنوشت سایر اعلامیه‌ها و قوانین و مقررات دچار شد.

قانون راجع به امور مالی دانشگاه تهران که در فروردین ۱۳۳۹ به تصویب مجلس شورای ملی رسید اگرچه دست دانشگاه را در تأمین برخی احتیاجات و مصرف درآمدهای اختصاصی نسبت به گذشته باز تر می‌کرد اما همچنان دانشگاه را ذیل نظام ذی‌حسابی نگاه می‌داشت. لذا تأثیر چندانی بر حذف

ساختار و محیط اداری موجود یکی از ریشه‌های اصلی توسعه ساختار بوروکراتیک دانشگاه‌ها است.

این روند با پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه پیدا کرد و در برهه‌ای تشدید شد. در اولین گام شورای انقلاب «لایحه قانونی انحلال هیئت‌های امنای کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی اعم از دولتی و غیردولتی و خصوصی» را در اسفندماه ۱۳۵۷ به تصویب رساند. بنا به تبصره ۳۳ قانون بودجه سال ۱۳۵۸ استقلال اداری، استخدامی (به استثناء اعضا هیئت‌علمی) و مالی دانشگاه‌ها ملغی اعلام شد و دانشگاه‌ها تابع قوانین عمومی دولت شدند. در واقع این تبصره تمامی قوانین و مقررات مصوب قبلی را یکسره نقض می‌کرد. محمود نیلی احمدآبادی که یکی از چهره‌های درخشان حوزه مدیریت و اداره پژوهش است سال ۱۳۷۳ پس از طی دوره دکتری در دانشگاه توهوکو ژاپن به عضویت دانشکده متالورژی و مواد دانشگاه تهران درآمد. او ساختار مدیریت طرح‌های پژوهشی را ناکارآمد، بوروکراتیک و مایوس‌کننده توصیف می‌کند [۴۰].

از اواخر دهه ۶۰ برخی شرایط برای گسترش فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی مهیا می‌شود [۴۰] لذا در همین دوران معاونت تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها رفته‌رفته از معاونت آموزشی جدا می‌شود. فعالیت‌های پژوهشی اعضا هیئت‌علمی که با انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها افت محسوسی داشت رفته‌رفته از اواخر دهه ۷۰ احیا می‌شود. این جریان نحیف در دهه ۷۰ با بازگشت فارغ‌التحصیلان دوره‌های دکتری از کشورهای اروپایی و آمریکایی و رشد اینترنت و ورود کامپیوترهای شخصی به دانشگاه رشد قابل‌ملاحظه‌ای پیدا کرد [۴۰].

رشد فعالیت‌های پژوهشی در دهه ۷۰ نیاز اساتید به منابع مالی به منظور خرید تجهیزات و مواد آزمایشگاهی، استخدام دستیار پژوهشی، اجاره دستگاه‌های آزمایشگاهی و... را افزایش می‌داد. تأمین این منابع از خارج دانشگاه بستگی به توانمندی استاد داشت. اما در دانشگاه تهران یک‌راه بیشتر وجود نداشت و آن هم استفاده از ظرفیت طرح‌های پژوهشی بود. منابع مالی این طرح‌ها از بودجه پژوهشی بسیار ناچیز دانشگاه فراهم می‌شد. استفاده از این ظرفیت یک اشکال

مرکزی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۴۳ و سپس وزارت علوم و آموزش عالی در سال ۱۳۴۶ سایه این سیطره سنگین‌تر می‌شود. در سال ۱۳۵۰ با تصویب «قانون هیئت‌های امناء مؤسسات عالی عملی دولتی» وزارت علوم مکلف شد تا برای هر یک از دانشگاه‌های کشور هیئت‌امنایی با ترکیب و وظایف یکسان ایجاد کند. تا پیش‌ازین شکل واحدی در خصوص هیئت‌های امناء و وظایف و اختیارات آن‌ها وجود نداشت و دانشگاه‌ها دارای سازمان اداری، ضوابط و مقررات خاص خود بودند. به موجب این قانون از میزان اختیارات و وظایف هیئت‌امنای دانشگاه‌ها کاسته شد. زین پس هیئت‌امنای برای انجام بسیاری از وظایف محوله ملزم به رعایت ضوابط تدوین‌شده از سوی شورای مرکزی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و در مواردی سازمان اداری و امور استخدامی، سازمان برنامه‌بودجه، شورای حقوق و دستمزد، وزارت اقتصاد و دارایی و وزارت علوم و آموزش عالی شدند.

شکست دانشگاه در کسب استقلال مالی و باقی ماندن ذیل قانون محاسبات عمومی و آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی دولتی سبب می‌شد تا بوروکراسی و سلسله‌مراتب عریض و طولی در دانشگاه‌ها ایجاد شود. در واقع نظام اداری دانشگاه آینه تمام‌نمایی از محیطی شد که نظام اداری یکپارچه آن زمان ساخته بود. البته این بوروکراسی و سلسله‌مراتب بعدتر با تشکیل نهادهای بالادستی و از دست رفتن استقلال اداری و آموزشی دانشگاه بیشتر تقویت شد. نظام اداری و سیاسی کشور همواره کوشیده است که دانشگاه را در قالب الگوهای سازمانی تعریف‌شده ببیند. بنابراین همواره ارتباط خود با دانشگاه را با چنین نگاه تنظیم کرده است و نظام آموزش عالی در درون فضای اداری و مالی متمرکز، سلسله‌مراتبی و قیم مابانه رشد و گسترش یافته است.

اگرچه رابطه دولت با دانشگاه بر بوروکراسی و ساختار داخلی دانشگاه بسیار اثرگذار است اما چگونگی اداره امور داخلی دانشگاه‌ها در افزایش کاغذبازی و بوروکراسی اداری نیز قابل‌توجه است. اداره شورایی و بالتبع افزایش نقاط تصمیم‌گیری و تأسیس ادارات متعدد و مختلف توصیفی مختصر از چگونگی اداره امور داخلی دانشگاه است. در واقع ناتوانی دانشگاهیان در طراحی ساختار مناسب و الگوگیری از

دانشگاه، بدون نیاز به تصویب هیچ پروژه‌ای این اعتبارات در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد. انتظار می‌رفت با این دو تغییر پژوهشگران دارای عملکرد بالاتر آسان‌تر از گذشته اعتبارات مورد نیازشان را در اختیار بگیرند و با انگیزه بیشتری فعالیت‌های پژوهشی خود را ادامه دهند.

توزیع عمومی و مبتنی بر عملکرد بخشی از بودجه پژوهشی دانشگاه با افزایش آگاهی و توزیع متقارن اطلاعات شرایط ناعادلانه‌ای را که تا پیش از این وجود داشت بر هم می‌زد. انتظار می‌رفت شرایط جدید به وجود آمده انگیزه انجام فعالیت‌های پژوهشی را در سایر اعضا هیئت‌علمی ایجاد کند. خصوصاً که حذف فرآیند تصویب پروژه، بوروکراسی و تشریفات زائد اداری را از میان برداشته بود.

معمولاً بودجه پژوهشی دانشگاه‌ها در بهترین حالت چیزی بین ۱۰ تا ۲۰ درصد از بودجه کل دانشگاه را تشکیل می‌دهد. بنابراین کمبود منابع در بخش پژوهشی همواره مشهود بوده است. به منظور افزایش بهره‌وری (تولید خروجی‌های پژوهشی بیشتر با هزینه کمتر) پژوهشی دانشگاه تخصیص اعتبارات به افراد دارای عملکرد بهتر معقول به نظر می‌رسید. لذا تخصیص مبتنی بر عملکرد در کنار سایر مزایایی که به همراه داشت بهره‌وری پژوهشی دانشگاه را نیز افزایش می‌داد. در کنار پیامدهایی چون افزایش حجم فعالیت‌های تحقیقاتی و بالا رفتن بهره‌وری پژوهشی، اعمال خواست و اراده دانشگاه در ارتباط با برنامه پژوهشی اعضا هیئت‌علمی و نوع خروجی نیز مورد توجه بوده است. در زمان تصویب این پیشنهاده انتظار می‌رفت با تعلق امتیاز به قراردادهای بیرونی اعضا هیئت‌علمی شاخص ارتباط دانشگاه و صنعت رشد قابل توجهی داشته باشد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

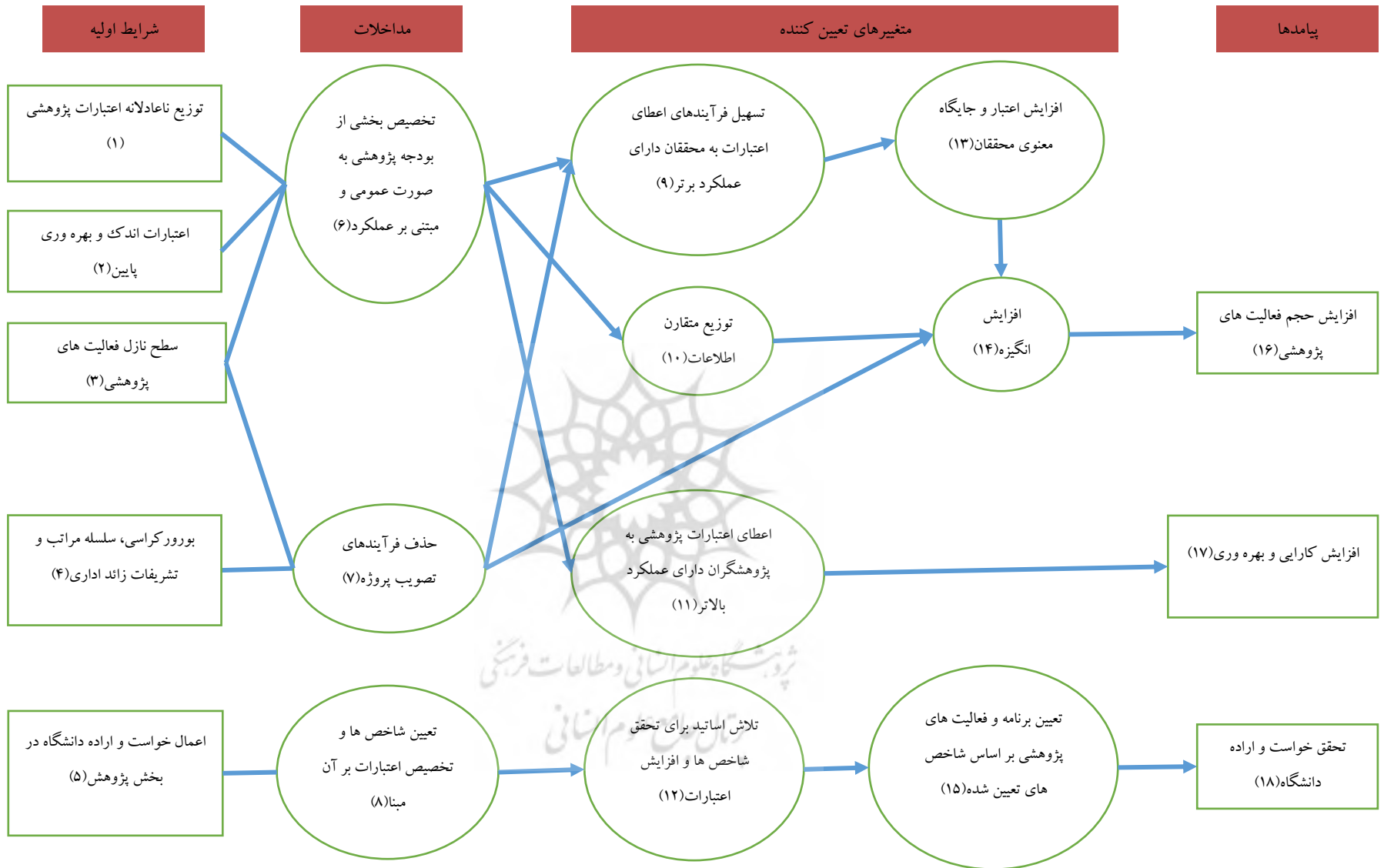
توزیع ناعادلانه اعتبارات از جمله عواملی بود که ستاد دانشگاه را بر آن می‌داشت تا نحوه توزیع اعتبارات را تغییر دهد. در شیوه جدید، شاخص‌هایی که هر کدام خروجی‌های مختلف فعالیت‌های پژوهشی را نمایندگی می‌کند مبنای سنجش عملکرد قرار گرفت. هیچ تفاوتی نیز بین رشته‌های مختلف در یک خروجی مشخص در نظر گرفته نمی‌شد. اما رفته‌رفته این

عمده به همراه داشت. سلسله‌مراتب و بوروکراسی که شرحش گذشت اساتید را خسته و ناامید می‌کرد. تعامل با چنین فرآیندی برای پژوهشگرانی که دوره‌های دکتری‌شان را در دانشگاه‌های برتر اروپایی، آمریکایی و گاه آسیایی گذرانده و بدون درگیری با تشریفات زائد اداری در تیم‌های پژوهشی کار کرده‌اند بسیار سخت و گران می‌آمد.

در چرخش از آموزش به پژوهش در دهه ۷۰ رفته‌رفته تولید خروجی‌های پژوهشی مورد توجه قرار گرفت. ارائه مقاله در اجلاس‌های داخلی و بین‌المللی، تألیف کتاب و نگارش مقاله و قراردادهای پژوهشی بیرونی به تدریج از سوی ستاد دانشگاه طلب شد. در زمان معاونت دکتر علی‌اکبر موسوی موحدی برای نخستین بار در قبال تصویب طرح‌های پژوهشی ارائه مقاله خواسته شد. اگرچه این اقدام میزان خروجی‌های پژوهشی دانشگاه را ارتقا می‌داد و امید آن می‌رفت رفته‌رفته سطح نازل فعالیت‌های پژوهشی افزایش یابد اما باز هم کافی به نظر نمی‌رسید. همچنان نگرانی ستاد نسبت به عملکرد پژوهشی دانشگاه پابرجاست. برنامه مشخصی برای درگیر شدن تعداد بیشتری از اعضا هیئت‌علمی با فعالیت‌های پژوهشی وجود ندارد. به‌علاوه نحوه توزیع اعتبارات در قالب برنامه فعلی (طرح‌های پژوهشی) نه‌تنها کمکی به رفع این مشکل نمی‌کند بلکه بر آن دامن می‌زند. بنابراین بسیاری از اعضا هیئت‌علمی خارج از دایره برنامه‌های پژوهشی دانشگاه قرار می‌گرفتند و زمینه و انگیزنده‌ای برای انجام فعالیت‌های پژوهشی ایشان فراهم نمی‌شد.

در چنین شرایطی و با هدف، توزیع عادلانه بودجه، افزایش حجم فعالیت‌های پژوهشی، کاهش بوروکراسی و تسهیل هزینه کرد منابع پژوهشی و افزایش بهره‌وری و کارایی، پیشنهاده‌ای به منظور تخصیص بخشی از اعتبارات پژوهشی بر مبنای عملکرد گذشته افراد توسط محمود نیلی احمدآبادی معاون پژوهشی وقت دانشکدگان فنی در شورای پژوهشی دانشگاه مطرح می‌شود.

در این پیشنهاده حدود یک‌سوم از اعتبارات پژوهشی دانشگاه به صورت عمومی و بر مبنای عملکرد پژوهشگر در شاخص‌های تعیین‌شده توزیع می‌شود. به‌علاوه به منظور تسهیل فرآیند دسترسی به منابع و تمرکززدایی از ستاد



شکل ۲) نظریه تغییر برنامه پژوهانه دانشگاه تهران

برخی شاخص‌ها در تضاد با ارزش‌های محوری آنان است. به عنوان مثال اعطای امتیاز بالاتر به مقالات منتشرشده در مجلاتی که عموماً به زبان انگلیسی منتشر می‌شوند واقعیتی دردناک برای علوم اجتماعی و انسانیات است. چراکه زبان در این حوزه‌های موضوعی نقشی اساسی ایفا می‌کند. لذا به نظر می‌رسد چنین سیستم‌های مشروعیت لازم را دارا نیستند.

اگرچه به نظر می‌رسد اعطای اعتبارات پژوهشی به محققان دارای عملکرد برتر منجر به تولید خروجی‌های پژوهشی بیشتری می‌شود و بهره‌وری را افزایش می‌دهد اما آیا کیفیت نیز افزایش پیدا می‌کند؟ مطالعه سیستم تأمین مالی عملکرد محور کشور نیوزیلند توسط اندرسون و ترسلر [۱۹] نکات قابل‌تأملی دارد. آنان دریافتند که بهره‌وری افزایش ولی کیفیت کاهش یافته است. در مورد چرایی چنین دریافتی شاید به سختی بتوان از علیت و روابط علی سخن به میان آورد ولی می‌تواند حدس و گمان‌هایی را مطرح کرد.

گویا بخش بزرگی از جمعیت مورد مطالعه تنها حداقل انتظارات شما را برآورده می‌کنند. البته اندرسون و همکارش امیدوارند چنین سیستمی برای بلندپروازی‌ها و خواسته‌های برخی از دانشمندان و پژوهشگران سقفی نامرئی قرار ندهد باشد. اما در نیوزیلند چه اتفاقی افتاده است؟ پس از هر دوره ارزشیابی نامه‌ای محرمانه برای هر پژوهشگر ارسال می‌شود که جایگاه او را در بین سایرین نشان می‌دهد. پژوهشگری که رتبه مناسبی نداشته است برای کسب رتبه‌ای بهتر در دوره بعدی ارزشیابی رو به انتشار مقاله (مجلاتی) در مجلاتی با ضریب تأثیر پایین‌تر می‌آورد. طبیعتاً این کار بسیار آسان‌تر از نگارش مقالاتی با کیفیت و انتشار آن‌ها در مجلاتی با ضریب تأثیر بالاست. حتی پژوهشگری که رتبه و جایگاه مناسبی در دوره ارزشیابی قبلی کسب کرده است برای افزایش جایگاه و یا حداقل حفظ آن رو به انتشار مقاله (مقالات) در مجلاتی با ضریب تأثیر کم‌تر می‌آورد. برای او هم این کار آسان‌تر از انتشار مقالاتی با کیفیت در مجلاتی با ضریب تأثیر بالا است. شاید بتوان به عنوان یک اصلی کلی گفت: همه می‌دانیم در شرایطی که همه‌چیز مساوی و برابر است کمیت تعیین‌کننده است. اگرچه دقیقاً مشخص نیست چرا افزایش در سرانه خروجی کمیت محور است تا کیفیت محور ولی چنین درک

التفات ایجاد شد که چاپ مقالات خصوصاً در نشریه‌های بین‌المللی رشته‌های علوم اجتماعی، انسانیات و هنر بسیار دشوارتر از رشته‌های علوم طبیعی است. لذا از سال ۸۷ ضریب ۲ و گاه ۱.۵ برای مقالاتی این حوزه رشته‌ها که در مجلات نمایه شده به چاپ می‌رسند در نظر گرفته شد.

نه چنین سیستم بدوی شاخص‌گذاری و نه حتی سیستم‌های بسیار پیچیده‌تر ارزشیابی تاکنون در اتخاذ رویکردی بی‌طرفانه نسبت به حوزه‌رشته‌های مختلف ناکام بوده‌اند. بی‌طرفی کامل حوزه‌رشته‌ای به این معناست که اگر پژوهشگرانی با توانایی‌های مشابه، تلاش و شرایط کار یکسان (به طور متوسط) مقایسه شوند باید امتیاز مشابهی را در رشته‌های مختلف به دست آورند. نکات قابل‌بحث زیادی در اینجا وجود دارد. اولین مورد مربوط به امتیازدهی به انواع مختلف آثار دانشگاهی است. در هر حوزه‌رشته‌ای قالب خاصی از انتشارات مرجع شمرده می‌شود و رفتارها و الگوهای انتشاراتی متفاوتی وجود دارد. برای مثال عموماً علوم اجتماعی و انسانیات پیشینه بزرگی در انتشار تکنگاشتها نسبت به سایر رشته‌ها دارند. به طور مشابهی، علوم فنی نسبت به سایر حوزه‌رشته‌ها تأکید زیادی بر مقالات کنفرانسی دارند. بنابراین انواع مختلف آثار منتشرشده باید به شکل متفاوتی وزن دهی شوند تا تفاوت در رفتار انتشاراتی بین رشته‌ها در نظر گرفته شود.

موضوع قابل‌بحث دیگر متوسط تعداد همکاران در آثار پژوهشی است. نسبت به نرم علوم اجتماعی و انسانی در علوم طبیعی و پزشکی همکاران بسیاری وجود دارند. گاه در مقاله‌ای در حوزه فیزیک نظری بیش از ۱۵ اسم وجود دارد. به صورت معمول در شاخص‌گذاری خروجی‌های علمی امتیاز چنین مقالات سرشکن می‌شود. در حالی که چنین رویه‌ای می‌تواند در درازمدت برای همکاری‌های علمی هزینه‌زا بوده و میانگین تعداد همکاران برای هر مقاله را کاهش دهد. به عنوان یک عامل کلیدی دیگر میانگین زمان مورد نیاز برای نگارش آثار و منتشر کردن آن‌ها نیز در حوزه‌رشته‌های مختلف بسیار متفاوت است. بنابراین رقابت در شاخص‌های تعیین‌شده اساساً برای برخی از حوزه‌رشته‌ها ممکن نیست. نه تنها برخی بازنده‌ای از پیش تعیین‌شده هستند بلکه اساساً

تعارض منافع

نویسنده تعهد می‌کند که هیچ تعارض منافی در این مقاله وجود نداشته است.

References

- [1] *Islamic Parliament Research Center*. ۲۰۲۴. **Examining the second part of the country's 1403 budget bill (17): the field of higher education, research and technology**. {In Persian} [2] Smith, D. O. (2011). **Managing the research university**. OUP USA.
- [3] Franssen, T., Scholten, W., Hessels, L. K., & de Rijcke, S. (2018). **The drawbacks of project funding for epistemic innovation: Comparing institutional affordances and constraints of different types of research funding**. *Minerva*, 56(1), 11-33. <https://doi.org/10.1007/s11024-017-9338-9>
- [4] Whitley, R., Gläser, J., & Laudel, G. (2018). **The impact of changing funding and authority relationships on scientific innovations**. *Minerva*, 56(1), 109-134. <https://doi.org/10.1007/s11024-018-9343-7>
- [5] Geuna, A. (2001). **The changing rationale for European university research funding: are there negative unintended consequences?**. *Journal of economic issues*, 35(3), 607-632. <https://doi.org/10.1080/00213624.2001.11506393>
- [6] Langfeldt, L., Bloch, C. W., & Sivertsen, G. (2015). **Options and limitations in measuring the impact of research grants—evidence from Denmark and Norway**. *Research Evaluation*, 24(3), 256-270. <http://dx.doi.org/10.1093/reseval/rvv012>
- [7] Neufeld, J. (2016). **Determining effects of individual research grants on publication output and impact: The case of the Emmy Noether Programme (German Research Foundation)**. *Research Evaluation*, 25(1), 50-61. <https://doi.org/10.1093/reseval/rvv029>
- [8] Schneider, J. W., & van Leeuwen, T. N. (2014). **Analysing robustness and uncertainty levels of bibliometric performance statistics supporting science policy. A case study evaluating Danish postdoctoral funding**. *Research evaluation*, 23(4), 285-297. <https://doi.org/10.1093/reseval/rvu016>
- [9] Jacob, B. A., & Lefgren, L. (2011). **The impact of NIH postdoctoral training grants on scientific productivity**. *Research policy*, 40(6), 864-874. doi: 10.1016/j.respol.2011.04.003
- [10] Van den Besselaar, P. and Sandstrom U. (2015), **'Early Career Grants, Performance, and Careers: A Study on Predictive Validity of Grant Decisions'**, *Journal of Informetrics*, 9/4: 826-38. DOI:10.1016/j.joi.2015.07.011
- [11] Bornmann, L. and Daniel H.-D. (2008), **'Reliability, Fairness, and Predictive Validity of the Peer Review Process for the Selection of Research Fellowshi Recipients of the Boehringer Ingelheim Fonds'**. In Kehm, B. M. (ed.) Hochschule im Wandel.

شده است که سیستم پاداش، کمیت بالا/کیفیت خوب را بر کمیت پایین/کیفیت بالا ترجیح می‌دهد.

چنین تجربه‌هایی که در کشورهای انگلستان و استرالیا نیز تکرار شده نشان می‌دهد که سیستم‌های تأمین مالی (خواه خروجی‌ها را ارزشیابی نکنند یا نه) رفتار انتشاراتی و بهره‌وری پژوهشگران را به صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهند. لذا تخصیص مبتنی بر عملکرد آن‌چنان‌که در وادی امر به نظر می‌رسید به سادگی به افزایش در کمیت و کیفیت پژوهش منجر نمی‌شود.

به نظر نمی‌رسد این نحوه از توزیع اعتبارات در افزایش عملکرد کلی سیستم مؤثر باشد. تخصیص وجوه به افرادی که عملکرد بالایی دارند موجب افزایش عملکرد آن‌ها نمی‌شود. این افراد پیش از تخصیص وجوه نیز از سطح عملکردی بالایی برخوردارند. تلاش سیستم باید معطوف به فعال کردن اعضا هیئت علمی خاموش و افزایش عملکرد کسانی باشد که در سطوح عملکردی پایین‌تری قرار می‌گیرند.

هدف اصلی از تخصیص اعتبارات پژوهشی به وسیله مکانیسم گزینش هدف قرار دادن پروژه‌های پژوهشی امیدبخش‌تر و حمایت از پژوهشگران برتر است. این مکانیسم جایگزین مجموعه‌ای از روش‌های تخصیص شد که در آن وجوه بدون قید و شرط خاصی در هزینه کرد در اختیار پژوهشگران و یا سازمان‌ها قرار می‌گرفت. لذا تعریف پروژه پژوهشی جزء لاینفک مکانیسم گزینش به شمار می‌آید. لذا آنچه در دانشگاه تهران گزینش و اعتبار ویژه پژوهشی نامیده می‌شود هیچ شباهتی به مکانیسم گزینش در مبدأ آفرینش آن ندارد.

علاوه بر نکته فوق، گزینش در مبدأ آفرینش آن یک تفاوت اساسی با آنچه در دانشگاه تهران پی‌ریزی شد دارد. گزینش داخلی اهرمی است برای دستیابی به اعتبارات بیرونی. در این خصوص پژوهانه‌های داخلی (یا به عبارتی منابع داخلی دانشگاه) دو نقش عمده را بر عهده دارند. به عنوان منابع زمینه‌ساز بخشی از هزینه‌های پروژه‌های پژوهشی را پوشش می‌دهند چراکه تمام هزینه پروژه توسط دولت تأمین نمی‌شود و در مراحل تدوین یک پروپوزال مناسب کیفیت و امکان‌پذیری آن را افزایش می‌دهد.

- barriers: (Semnan city case study).** *Educational Leadership & administration*, 2(4)97-124. {In Persian} https://journals.iau.ir/article_538788.html
- [24] Khaleghi Soroush, F., Abolghasemi, M., Gara Nejad, G., & Dolo. M., (2017) **Designing a model for the allocation of higher education resources in Iran.** *Financial Economics*. 39(11).147-170. {In Persian} https://journals.iau.ir/article_535188.html
- [25] Entezari, Y., & Gharun, M. (2015). **Rationality and performance of government on financing higher education in Iran.** *Higher Education Letter*, 8(29), 11-38. {In Persian} https://journal.sanjesh.org/article_14809.html
- [26] Galini Moghadam, G., & Heidarinasab, L. (2015). **The Grant-Based Research System at Shahed University: from Regulations to Administration.** *Higher Education Letter*, 8(30), 85-96. {In Persian} https://journal.sanjesh.org/article_15406.html
- [27] Galyani-Moghaddam, G., & Heydarinasab, L. (2016). **Analysis, Evaluation and Pathology of Research Grants: A Case Study of Two Universities in Tehran.** *Digital and Smart Libraries Researches*, 3(2), 63-74. {In Persian} https://lib.journals.pnu.ac.ir/article_4288.html
- [28] Chen, H. T. (2015). **Practical program evaluation: Theory-driven evaluation and the integrated evaluation perspective.** *Sage Publications*.
- [29] Chen, H. T. (1990). **Theory-driven evaluations.** *Sage*.
- [30] Coryn, C. L., Noakes, L. A., Westine, C. D., & Schröter, D. C. (2011). **A systematic review of theory-driven evaluation practice from 1990 to 2009.** *American journal of Evaluation*, 32(2), 199-226. <https://doi.org/10.1177/1098214010389321>
- [31] Patton, M. Q. (2014). **Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice.** *Sage publications*.
- [32] Saldaña, J. (2016). **The coding manual for qualitative researchers.** *SAGE Publications*.
- [33] Miles, M. B., Huberman, A. M., & Saldaña, J. (2014). **Qualitative data analysis: A methods sourcebook.** *Sage publications*.
- [34] Abedi Ja'fari, H., Taslimi, M. S., Faghihi, A., & Sheikhzade, M. (2011). **Thematic Analysis and Thematic Networks: A Simple and Efficient Method for Exploring Patterns Embedded in Qualitative Data Municipalities).** *Strategic Management Thought*, 5(2), 151-198. {In Persian} https://smt.isu.ac.ir/article_163.html
- [35] *National Consultative Assembly*. 1944. **Annotated deliberations of the fourteenth term of National Consultative Assembly.** 1/23/1945. {In Persian}
- [36] Siassi, A. (2015). **A political life.** Tehran: *Sales*. {In Persian}
- [37] *National Consultative Assembly*. 1978. **Annotated deliberations of the fourteenth term of National Consultative Assembly.** 9/13/1978. {In Persian}
- [38] *National Consultative Assembly*. 1978. **Annotated deliberations of the fourteenth term of National Consultative Assembly.** 7/2/1967. {In Persian}
- Die Universita't als Forschungsgegenstand, pp. 365–76. *Frankfurt am Main: Campus*.
- [12] Torcka, M. (2018). **Projectification of doctoral training? How research fields respond to a new funding regime.** *Minerva*, 56(1), 59-83. <https://doi.org/10.1007/s11024-018-9342-8>
- [13] Connell, Raewyn, and Catherine Manathunga. 2012. **On Doctoral Education: How to Supervise a PhD, 1985–2011.** *Australian Universities' Review* 54(1): 5–9. <https://search.informit.org/doi/10.3316/informit.424243731811708>
- [14] Louvel, Se ´verine. 2012. **The 'Industrialization' of Doctoral Training? A Study of the Experiences of Doctoral Students and Supervisors in the French Life Sciences.** *Science & Technology Studies* 25(2): 23–45. DOI: <https://doi.org/10.23987/sts.55274>
- [15] Laudel, G., & Gläser, J. (2014). **Beyond breakthrough research: Epistemic properties of research and their consequences for research funding.** *Research Policy*, 43(7), 1204-1216. DOI: 10.1016/j.respol.2014.02.006
- [16] Ossenblok, T. L., Engels, T. C., & Sivertsen, G. (2012). **The representation of the social sciences and humanities in the Web of Science—a comparison of publication patterns and incentive structures in Flanders and Norway (2005–9).** *Research Evaluation*, 21(4), 280-290. DOI: 10.1093/reseval/rvs019
- [17] Aagaard, K., Bloch, C., & Schneider, J. W. (2015). **Impacts of performance-based research funding systems: The case of the Norwegian Publication Indicator.** *Research evaluation*, 24(2), 106-117. DOI: 10.1093/reseval/rvv003
- [18] Vanecek, J., & Pecha, O. (2020). **Fast growth of the number of proceedings papers in atypical fields in the Czech Republic is a likely consequence of the national performance-based research funding system.** *Research Evaluation*, 29(3), 245-262. DOI: 10.1093/reseval/rvaa005
- [19] Anderson, D. L., & Tressler, J. (2014). **The New Zealand performance-based research fund and its impact on publication activity in economics.** *Research Evaluation*, 23(1), 1-11. DOI: 10.1093/reseval/rvt017
- [20] Braun, D. (1998). **The role of funding agencies in the cognitive development of science.** *Research policy*, 27(8), 807-821. [https://doi.org/10.1016/S0048-7333\(98\)00092-4](https://doi.org/10.1016/S0048-7333(98)00092-4)
- [21] Braun, D. (2006). **Delegation in the distributive policy arena: the case of research policy.** In *Delegation in contemporary democracies*, Braun, D., & Gilardi, F., 162-186. *Routledge*.
- [22] Laudel, G. (2006). **The 'quality myth': Promoting and hindering conditions for acquiring research funds.** *Higher Education*, 52(3), 375-403. <https://doi.org/10.1007/s10734-004-6414-5>
- [23] Faiz, A., & Shahabi, A., (2009). **Evaluation and prioritization of university-industry communication**

[40] Farasatkah, M. (2014). **Eighty-year history of technical faculty of Tehran University: the story of a house, the story of a land.** Tehran: *nashreny* {InPersian}

[39] *National Consultative Assembly*.1967. **Annotated deliberations of the fourteenth term of National Consultative Assembly.** 3/14/1967. {In Persian}

